

نقطه نظر / سرمقاله

مقدمه‌ای بر بازاندیشی ایران در شرق و شرق‌شناسی

ایران‌شناسی، چونان گرایشی از شرق‌شناسی، در دو سده‌ای که از پیدایش و گسترش آن در غرب می‌گذرد، همیشه بر بنیان مفاهیمی بیان شده که خاستگاه ایرانی نداشته است؛ یکی از همین مفاهیم، مرزهای تاریخی-فرهنگی ایران است که شرق‌شناسی غربی آن را نه بر بنیان بن‌مایگان تاریخی ایران که مبتنی بر مرزهای سیاسی امروزی و به ویژه سده بیستم ترسیم می‌کند (e. g. Matthew, 2000, 2007; Barr, 2012). در این مرزبندی تاریخی-فرهنگی سیاست‌زده‌ای که غرب برای ایران تعیین کرده است، هنر، ادبیات، تاریخ و میراث فرهنگی ایران فراتر از مرزهای سیاسی امروزی آن نیست و هستی تاریخی ایران چندپاره و گسسته نمایش داده می‌شود؛ برای نمونه، در این نمایش گسستگی و ناپیوستگی فرهنگی-تاریخی ایران، دو تمدن عیلامی و سومری که تنها با مرز طبیعی اروندرود از یکدیگر جدا می‌شوند، دو دنیای متفاوت هستند؛ و سومر میراث فرهنگی دولت-ملتی نوپیدا به نام عراق است که به ادعان خود باستان‌شناسان و شرق‌شناسان اروپایی، و به‌ویژه بریتانیایی، در فردای جنگ جهانی اول ساخته شد؛ و البته لازمه هر دولت-ملت نوپیدا نیز تاریخی جدید است که باید برای آن ساخته شود (Matthews, 2007; Barr, 2012). شرق‌شناسی غربی حتی به پارادوکس میان زبان‌شناسی و مردم‌نگاری با جغرافیای تاریخی-فرهنگی و انسانی توجهی نداشته است؛ برای مثال، کوهستان زاگرس که از جنوب دریاچه وان-در ترکیه کنونی-تا کرانه شمالی تنگه هرمز کشیده شده است، در دو هزاره گذشته زیستگاه بومی مردمان و دودمان‌های گوناگون ایرانی تباری بوده است که به نوشته شرف‌الدین بدلیسی، در کتاب «شرفنامه: تاریخ مفصل کردستان» (۱۰۰۵ق)، همگی شاخه‌هایی از قوم بزرگ کرد هستند؛ به نوشته بدلیسی، این مردمان پیشینه خویش را از شاهنامه فردوسی می‌جویند و خود را بازماندگان جوانانی می‌پندارند که از چنگ ضحاک به کوهستان گریختند؛ و حتی بدلیسی که امیرالامرای کردستان بود، پیشینه دودمان خویش به شاهنشاهان ساسانی می‌رساند (Bidlisi, 1860, 8-12)؛ با این حال، شرق‌شناسی غربی میراث فرهنگی کردستان را، که چونان بخشی از قلمروی غربی ایران از اربیل و سلیمانیه تا دیاربکر و بدلیس و اورفا و ماردین گسترده شده است (Bidlisi, 1860)، بیرون از تاریخ تمدن ایران مطالعه و معرفی می‌کند (e. g. Matthew, 2000, 2007). در قفقاز به نیز شرق‌شناسی غربی برای کشورهای نوپیدای آذربایجان و ارمنستان گذشته‌های باستانی ساخته است که نسبتی با تاریخ و باستان‌شناسی ایران ندارد و گویا ماد و اورارتو دو هستی تاریخی جدا از ایران هستند که البته به سفارش آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی باید توجیه تاریخی جمهوری‌های نوپیدا آذربایجان و ارمنستان باشند (e. g. Дьяконов, 1956; Пиотровский, 1959). بنابراین نخستین گام در این بازاندیشی، فهم درست مرزهای تاریخی-فرهنگی ایران است که اگر نمونه‌وار گفته شود، در نوشته‌های مؤرخان و اندیشمندان ایلخانی-صفوی ایرانی چون نزه‌القلوب حمدالله مستوفی قزوینی (۷۴۰ق) و احسن‌التواریخ حسن بیگ روملو (۹۸۵ق) حدود و ثغور و سنور آن آشکارا آشنا است؛ و حتی فریدریش زاره، ترک‌شناس بنام آلمانی، با طبقه‌بندی آثار معماری سده‌های ششم تا نهم هجری شهرهای نخجوان، سمرقند، بخارا، قونیه و آغ‌شهر در ردیف آثار هنر و معماری ایرانی، درستی این نظر را تأیید می‌کند (Sarre, 1910, 120-160). بنا بر آن چه گفته و نوشته آمد، تاریخ و باستان‌شناسی و میراث فرهنگی ایران نمی‌تواند در چهارچوب مرزهای سیاسی کنونی بحث و مطالعه شود؛ زیرا دامنه تاریخی-فرهنگی آن بسی فراتر از سیاست است؛ و بنابراین، برای مثال، اصطلاحاتی چون فرهنگ دوران مفرغ کورا-ارس و ماوراءقفقاز قدیم که بر ساخته بوریس کوفتین روس و چارلز برنی انگلیسی‌اند، بی‌معنا هستند؛ و تمدن سومری که نزدیک به دو هزاره با فرهنگ‌های دوران مفرغ کرمان و سیستان و بلوچستان اندرکنش داشته است (Majidzadeh, 2003, 5-19)، بخشی جداناپذیر از گذشته ایران است؛ و از پگاه تا شامگاه تاریخ اورارتو در قلمروی سرزمینی سپهری شده است که مؤرخان و جغرافی‌دانان ایرانی سده‌های ایلخانی-قاجاری آن را با نام‌های تاریخی آذربایجان و کردستان می‌شناسند.

فهرست منابع

- Barr, J. (2012). *A Line in the Sand: Britain, France and the Struggle That Shaped the Middle East*. London: Simon & Schuster.
- Bidlisi, S. (1860). *Scheref-Nameh: Histoire des Kourdes*. In V. V. Zernof (Ed.), Paris et St. Pétersbourg : Commissionnaire de l'Académie Impériale des Sciences.
- Majidzadeh, Y. (2003). *Jiroft: The Earliest Oriental Civilization*. Tehran: Ministry of Culture & Islamic Guidance.
- Matthews, R. (2000). *The Early Prehistory of Mesopotamia: 500000 to 4.500 BC*. Turnhout: Brepols.
- Matthews, R. (2007). *The Archaeology of Mesopotamia: Theories and Approaches*. 4th print, London: Routledge.
- Sarre, F. (1910). *Denkmäler Persischer Baukunst: Geschichtliche Untersuchung und Aufnahme Muhammedanischer Backsteinbauten in Vorderasien und Persien*. Berlin: Verlag von Ernst Wasmuth.
- Дьяконов, И. М. (1956). *История Мидии от древнейших времён до конца IV века до н. Э.* Москва.
- Пиотровский, В. (1959). *История и Культура Урарту*. Москва.

سر دبیر

بهرام آجورلو

ajorloo@tabriziau.ac.ir

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

آجورلو، بهرام. (۱۴۰۲). مقدمه‌ای بر بازاندیشی ایران در شرق و شرق‌شناسی. مجله هنر و تمدن شرق، ۱۱(۴۱)، ۵.

DOI:10.22034/jaco.2023.180557

URL:https://www.jaco-sj.com/article_180557.html